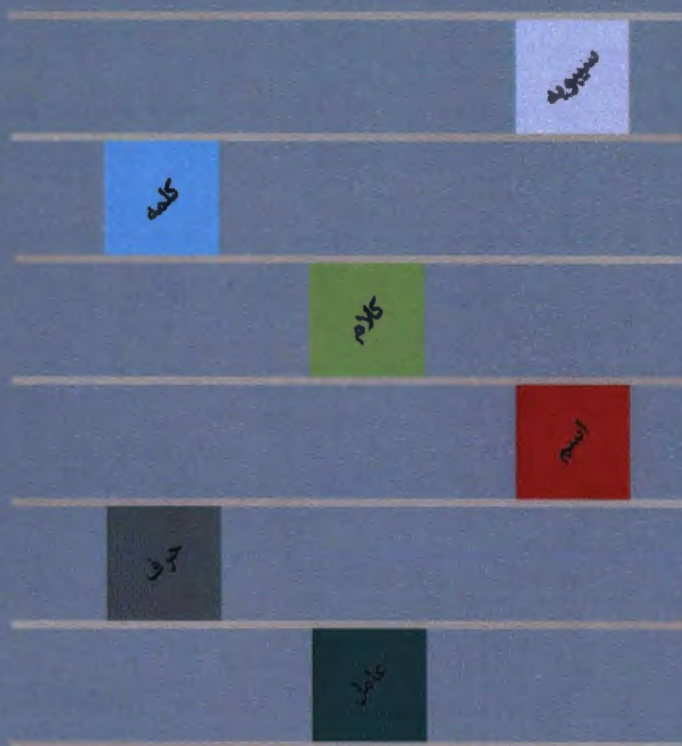


سیبویه پژوهی

ترجمه و تحلیل شش باب نخست کتاب

الهه دفتری نژاد

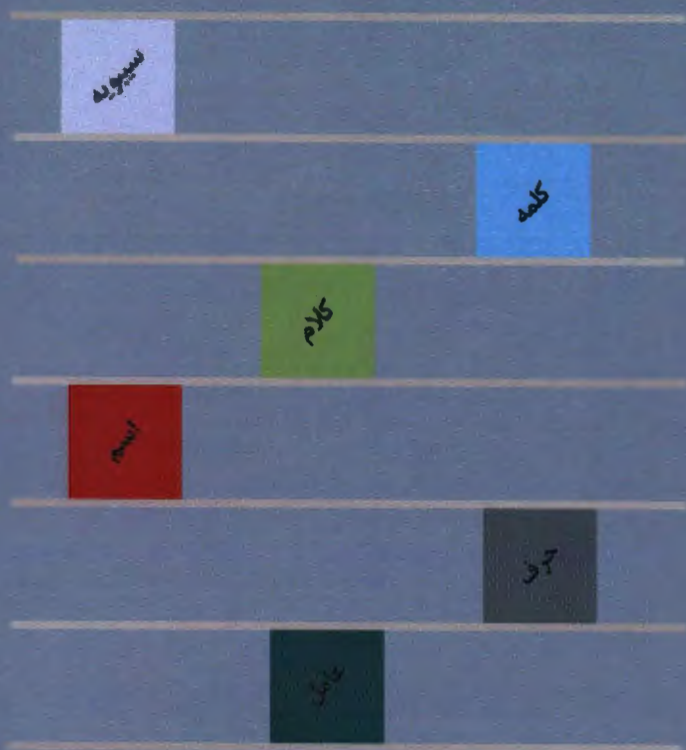


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

A Research about Sibawayhi

Translation and Analysis of the First six Chapters of Al-Kitab

Elahe Daftary Nezhad



۱۲۵۰۰ تومان



9 789644 268687



Institute for Humanities & Cultural Studies

گرامی داشت پنجاهمین سالگرد تأسیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال ۱۳۹۴ پنجاهمین سال تأسیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، بزرگ‌ترین نهاد پژوهشی کشور در حوزه علوم انسانی، است.

نخستین واحد تشکیل‌دهنده آن، بنیاد فرهنگ ایران، با هدف «خدمت به فرهنگ و سعی در حفظ و ترویج میراث معنوی ایران و کوشش در راه تهذیب و تکمیل و ترویج زبان فارسی و شناساندن فرهنگ ایران به ملت‌های دیگر»، در سال ۱۳۴۴ آغاز به کار کرد و پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی با پیوستن نهادهای پژوهشی دیگر مانند انجمن حکمت و فلسفه ایران، بنیاد شاهنامه فردوسی، بنیاد فرهنگ و هنر ایران، پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران، پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگستان ادب و هنر ایران، فرهنگستان زبان ایران، فرهنگستان علوم ایران، مرکز اسناد فرهنگی آسیا، مرکز ایرانی تحقیقات تاریخی، و مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها در قالب یک پژوهشگاه جامع به فعالیت‌های خود ادامه داد که خدمات علمی و پژوهشی آن در حوزه‌های گوناگون علوم انسانی در نزد اهالی علم و دانشگاهیان شناخته شده است.

ثمرات نیم‌قرن بالندگی این درخت تنومند، که با همت برجسته‌ترین استادان علوم انسانی کشور به بار نشسته است، صدها طرح پژوهشی اثرگذار و ده‌ها کتاب و صدها دانش‌آموخته فرهیخته است. این دستاوردها فخری است برای نهاد دانش در سرزمینی که همواره در تاریخ به فرهنگ و شکوفایی تمدنی شهره است.

سیبویه پژوهی
ترجمه و تحلیل شش باب نخست الکتاب

الهه دفتری نژاد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۴



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، صندوق پستی ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵، تلفن: ۳-۸۸۰۴۶۸۹۱، فکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

سیبویه پژوهی

ترجمه و تحلیل شش باب نخست کتاب

مؤلف: الهه دفتری نژاد

مدیر انتشارات: ناصر زعفرانچی

صفحه آرای و جلد: فرزانه صادقیان

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

ناظر چاپ: مجید اسماعیلی زارع

چاپ اول: ۱۳۹۴

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: تفرید

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: دفتری نژاد، الهه، ۱۳۴۸ -

عنوان قراردادی: کتاب سیبویه، فارسی، برگزیده، شرح

عنوان و نام پدیدآور: سیبویه پژوهی: ترجمه و تحلیل شش باب نخست کتاب / الهه دفتری نژاد.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ی، ۱۹۹ ص.

شابک: 978-964-426-868-7

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: واژه نامه.

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۷۵] - ۱۸۲.

عنوان دیگر: ترجمه و تحلیل شش باب نخست کتاب.

موضوع: سیبویه، عمرو بن عثمان، ۱۸۰-۱۴۸ ق. کتاب سیبویه -- نقد و تفسیر

موضوع: زبان عربی -- نحو

شناسه افزوده: سیبویه، عمرو بن عثمان، ۱۸۰-۱۴۸ ق. کتاب سیبویه، برگزیده، شرح

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ۵۲۸۶/س۱۵۱/۶۱۵۱ PJ

رده بندی دیویی: ۴۹۲/۷۵

شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۸۲۱۲۴

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	ط
مقدمه.....	۱
مطالعه تاریخ زبان شناسی و غنای زبان فارسی.....	۵
الکتاب، نقطه عطفی در تاریخ زبان شناسی ایران و جهان.....	۸
الکتاب و سنت نظری زبان شناسی ایرانی.....	۹
فضای فکری الکتاب.....	۱۱
آشنایی با زبان الکتاب.....	۱۲
ترجمه متن الکتاب.....	۱۳
تحلیل متن الکتاب.....	۱۴
تطبیق سنت نظری سیبویه با نظریات زبان شناسی معاصر.....	۱۸
فصل اول: دانش کلمه.....	۲۱
کلمه.....	۲۳
انواع کلمه در برابر اجزای کلام.....	۲۸
تأکید بر اسم.....	۲۹
اهمیت فلسفی اصطلاح حرف.....	۳۲
کلمه و توصیف ساختار زبان.....	۳۴
ساختار فعل و شرح زمان.....	۳۷
اهمیت دسته بندی سه گانه کلمه.....	۳۹
جمع بندی باب اول الکتاب.....	۴۱
فصل دوم: مجرا و کلمه.....	۴۵

۴۷.....	مجرا و جایگاه پایانی کلمه.....
۴۷.....	نقش در برابر صورت.....
۴۹.....	عنصر تهی و تقابل نقش و صورت.....
۵۱.....	استوار (متمکن).....
۵۱.....	اصطلاح منطقی عامل، نخستین استدلال خردگرایی.....
۵۲.....	واحد دوتایی و مفهوم اتحاد.....
۵۶.....	اصطلاح عامل و نشانه‌های دانش منطق در مشرق زمین.....
۵۸.....	همانندی فعل و اسم، اصل قیاس.....
۶۰.....	حرف تصریف و استدلال کمینه‌گرایی در <i>الکتاب</i>
۶۲.....	ارتباط <i>الکتاب</i> با فلسفه‌های کهن ایرانی.....
۶۳.....	رویکرد پیکره‌بنیاد در <i>الکتاب</i>
۶۴.....	همانند (مضارع).....
۶۶.....	جانشین (معاقب).....
۶۷.....	حرکت (حركة).....
۶۷.....	جایگاه (موضع) و مفهوم هم‌نشینی.....
۷۰.....	کارکرد رمز یا تأویل در <i>الکتاب</i>
۷۳.....	شواهد قرآن کریم در <i>الکتاب</i>
۷۴.....	مکان (موقع) و مفهوم هم‌نشینی.....
۷۷.....	مفهوم انتزاعی فاصله (بعد).....
۷۸.....	دسته‌بندی سه‌گانه زمان.....
۸۰.....	نمود نحوی، نمود معنایی.....
۸۱.....	بررسی هم‌زمان سطوح زبان.....
۸۳.....	مقدماتی بودن، تواتر رخداد قاعده، و میزان قدرت.....
۸۵.....	جانشین (عوض)، مرتبه (منزله) و دید عمودی.....
۸۶.....	هم‌نشینی و جانشینی در نزد سیبویه، سوسور، و هلیدی.....
۸۷.....	اخلاق و نظریات زبان‌شناسی.....
۸۹.....	اخلاق‌گرایی نماد خردگرایی در <i>الکتاب</i>
۹۱.....	ارزش ساخت اصطلاحات زبان‌شناسی.....

فهرست مطالب ز

۹۲.....	نظیر و مقایسه‌های منطقی.....
۹۴.....	نشان (علامه).....
۹۵.....	تأثیر رویکردهای زبان‌شناختی سیوییه بر ابونصر فارابی.....
۹۶.....	روساخت سطحی معتبر در تبیین زبان.....
۱۰۰.....	نشان‌داری ساخت مؤنث.....
۱۰۲.....	وزن و نخستین بودن اسم نسبت به فعل.....
۱۰۵.....	کلام، واحد معنایی مستقل.....
۱۰۵.....	کلام، گفتار، زبان.....
۱۰۷.....	رابطه اسم و کلام.....
۱۰۸.....	اول بودن، بی‌نشان بودن.....
۱۱۰.....	تعریف مرز میان اسم و فعل.....
۱۱۲.....	جمع‌بندی باب دوم/الکتاب.....
۱۱۷.....	فصل سوم: بسته و وابسته.....
۱۱۹.....	رابطه وابستگی یا اسنادی.....
۱۲۲.....	اسم مبتدا، اسم اول.....
۱۲۳.....	مرتبه ابتدا.....
۱۲۴.....	ابتدا، آغاز گزاره.....
۱۲۵.....	اول بودن ابتدا و یک (واحد) و تقدّم نکره بر معرفه.....
۱۲۸.....	جابه‌جایی بسته و وابسته یا دوم شدن ابتدا.....
۱۲۹.....	جمع‌بندی باب سوم/الکتاب.....
۱۳۱.....	فصل چهارم: لفظ برای معنی.....
۱۳۲.....	شرح روابط معنایی.....
۱۳۵.....	جمع‌بندی باب چهارم/الکتاب.....
۱۳۷.....	فصل پنجم: رخدادهای لفظی.....
۱۳۸.....	رخدادهای لفظی در کلمه.....
۱۳۹.....	زبان و گفتار.....
۱۴۱.....	جمع‌بندی باب پنجم/الکتاب.....
۱۴۳.....	فصل ششم: استقامت کلام و ناممکن بودن.....

۱۴۴	کلام و ناممکن بودن.....
۱۴۵	استقامت کلام و درجات دستوری بودن.....
۱۴۸	کلام در کتاب و متن در نقش گرایی.....
۱۵۰	مستقیم، نیک، نادرست، بد، ناممکن.....
۱۵۵	کاربرد برچسب‌های کلامی کتاب در ادبیات معاصر.....
۱۵۸	شناخت و کارآیی توصیفی.....
۱۶۰	جمع‌بندی باب ششم کتاب.....
۱۶۳	فصل هفتم: نتایج پژوهش.....
۱۶۴	مؤلفه‌های عمومی در نظریهٔ زبانی سیبویه.....
۱۶۵	مؤلفه‌های انحصاری در سنت فکری سیبویه.....
۱۶۶	مبانی فلسفی و حکمی در کتاب.....
۱۶۷	تفاوت‌های بنیادی کتاب با سنت یونانی - رومی.....
۱۶۹	تطبیق مؤلفه‌های مشترک میان نظریهٔ زبانی سیبویه و نظریات معاصر.....
۱۷۰	استمرار یک سنت فکری.....
۱۷۱	ضرورت مطالعهٔ تاریخ زبان‌شناسی ایران.....
۱۷۲	معرفی موضوع‌هایی برای پژوهش‌های آینده.....
۱۷۵	کتابنامه.....
۱۸۵	واژه‌نامهٔ عربی به انگلیسی.....
۱۹۴	واژه‌نامهٔ انگلیسی به فارسی.....

پیشگفتار

کتاب حاضر به معرفی سنت فکری سیبویه، زبان‌شناس، دستورنویس، فیلسوف، منطق‌دان، مفسر، ادیب، و عارف ایرانی اختصاص دارد. این کتاب بخشی از رسالهٔ دکتری این نگارنده با عنوان «مبانی نظری دانش زبان در *احصاء العلوم، دانشنامهٔ علایی و کتاب*» است که در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با درجهٔ عالی دفاع شده است. در این رساله مبانی زبان‌شناختی موجود در دو فصل ابتدای *احصاء العلوم، مقدمهٔ منطق دانشنامهٔ علایی، و شش باب نخست کتاب* به صورت تطبیقی (تطبیق این سه اثر با یکدیگر) مورد بررسی قرار گرفته و سپس مبانی مذکور با اصول و زیرساخت‌های نظری دو رویکرد عمده در مطالعات زبان‌شناسی معاصر یعنی، نقش‌گرایی و صورت‌گرایی مقایسه شده است. کتابی که هم‌اکنون در پیش رو دارید، عمدتاً به معرفی مبانی زبان‌شناختی شش باب نخست *کتاب* و تطبیق این مبانی با اصول نظری نقش‌گرایی و صورت‌گرایی اختصاص یافته است. علاوه بر آن، در این اثر مقایسه‌هایی میان متن *کتاب* و دیگر متن‌های مربوط به تاریخ علمی و ادبی ایران انجام شده است. ترجمه و تحلیل باب نخست *کتاب* پیش‌تر در نشریهٔ زبان‌شناخت منتشر شده و هم‌اکنون با افزایش مطالبی در این مجموعه مجدداً چاپ شده است.

در این کتاب زندگی‌نامهٔ سیبویه، که در اکثر موارد با ابهام فراوان روبه‌روست، بازگویی نشده است، علت این امر پرهیز از تکرار وقایعی است که در مورد هر یک تردید فراوان وجود دارد. در میان پژوهش‌هایی که در زمینهٔ معرفی سیبویه انجام شده است، تاکنون مجموعه مقالات سلیمان سارا و پژوهش‌های مایکل کارتر، به ویژه کتاب او با عنوان *سیبویه*، از پذیرش بیشتری برخوردار بوده است. در کتاب حاضر، نقطه‌نظرات این

دو محقق به صورت خاص مورد توجه قرار خواهد گرفت، لیکن اکثراً نقل قول‌هایی از ایشان بازگو خواهد شد که نتایج پژوهش حاضر آن موارد را تأیید کرده است. این مطلب بدان معنا نیست که این نگارنده با تمامی تحلیل‌های آن دو محقق موافق بوده است، بلکه بیشتر بدان سبب است که از ورود به حوزه نقد و ارزیابی آثار پرهیز شود.

در متن کتاب، برخی از اصطلاحات تخصصی به همراه معادل‌های فارسی و انگلیسی آن به دفعات تکرار شده است که دلیل این امر ویژگی تطبیقی این پژوهش و نامأنوس بودن اصطلاحات تخصصی/کتاب برای محققین معاصر است. لازم به ذکر است که واژه‌های فارسی که در متن کتاب در کنار اصطلاح‌های عربی به کار رفته است، الزاماً، ترجمه و یا معادل آن اصطلاح نیست، بلکه گاهی، واژه فارسی توضیحی در مورد اصطلاح عربی است. مطلب دیگر آنکه میان معادل‌های فارسی به کاررفته در این تحقیق و اصطلاحات رایج در مطالعات نحو عربی تفاوت‌هایی وجود دارد که این امر به دلیل تفاوتی است که میان مطالعه/کتاب، به عنوان یک متن زبان‌شناختی، و مطالعه نحو زبان عربی وجود دارد.

در پایان به دلیل نگارش این کتاب از تمامی استادان ارجمند، به‌ویژه جناب آقای دکتر سیدمصطفی عاصی، جناب آقای دکتر محمد دبیرمقدم، جناب آقای دکتر یحیی مدرسی‌تهرانی، سرکار خانم دکتر شهین نعمت‌زاده، جناب آقای دکتر محمدتقی راشدمحصل، سرکار خانم دکتر ناجیه کاشانی، سرکار خانم دکتر مهشید میرفخرایی و جناب آقای دکتر عبدالحسین فرزند که این نگارنده را در انجام این پژوهش یاری نمودند، صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایم. همچنین، از تمامی استادان ارجمند زبان‌شناسی و حوزه‌های وابسته، که با نشر آثار و اندیشه‌های خود باعث ارتقاء این پژوهش بوده‌اند، از تمامی دوستان و بستگان گرامی، که همواره از حمایت‌های ایشان برخوردار بوده‌ام، و نیز از تمامی کارمندان محترم بخش‌های مختلف پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به‌ویژه بخش‌های کتابخانه و انتشارات صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایم. از پروردگار متعال برای تمامی خوبان سرزمینم بهترین‌ها را خواستارم.

الهی دفتر نژاد

۱۳۹۴/۲/۲۵

مقدمه

ایرانیان از دیرباز، به مجموعه دانش‌هایی که امروزه در حوزه‌های گوناگون مطالعهٔ زبان قرار می‌گیرد توجه نشان داده‌اند. مشاهدهٔ سنگ‌نوشته‌هایی که قدمت بسیاری از آنها به چندین هزار سال می‌رسد نمایانگر توجه ایرانیان به اهمیت زبان است. مشاهدهٔ سیر مراحل تکامل خط، ویژگی‌های معنایی و زیبایی‌شناختی سرودهای باستانی، ترجمه میان زبان‌های مختلف و یا میان دوره‌های مختلف زبان فارسی، تهیه و تدوین فرهنگ‌های لغت، و واژه‌سازی همگی شواهدی از وجود تاریخی درخشان در زمینهٔ دانش زبان^۱ در ایران است.

بررسی سیر مراحل تغییر و تکامل خط فارسی، از گذشته‌های دور تا هم‌اکنون، نشان می‌دهد که ایرانیان به اهمیت خط و نگارش و دانش مربوط به آن یعنی، مثلاً، شناخت هجاها و یا آواهای زبان آگاه بوده‌اند. تدوین الفبای خط میخی فارسی باستان از الفبای اکدی و یا تدوین الفبای خط اوستایی از روی الفبای پهلوی کتابی و زبوری تأییدی بر این ادعا است. گفته شده است که الفبای فارسی باستان، که یک الفبای هجایی بوده است، دارای سه نشانه برای نمایش سه مصوت کوتاه [a]، [e]، [o] بوده است (ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۵). الفبای خط اوستایی نیز برای هر یک از آواهای اوستایی یک

۱. منظور از اصطلاح دانش زبان مجموعه شاخه‌های مربوط به مطالعهٔ سنتی زبان است که امروزه هر یک از آنها در رشته‌های مختلفی چون: ادبیات، زبان‌شناسی، آموزش زبان، ترجمه، فرهنگ‌نگاری، و مانند آنها مورد مطالعه قرار می‌گیرد. این اصطلاح پوششی بر گرفته از *احصاء العلوم* ابونصر فارابی (۱۳۸۹: ۴۳-۴۹) است.

نشانه داشته است (ابوالقاسمی، ۱۳۷۴: ۱۷). هر دوی این موارد گویای توجه ایرانیان به موضوع شناخت آواها و واجگونه‌های زبان است.

کاربرد زبان شعر در گاهان، که منظوم به نظم هجایی است (همان: ۳۳)، و یا به‌طور کلی کاربرد تشبیه و استعاره برای انتقال مفاهیم انتزعی در اوستا گویای آن است که ایرانیان از گذشته‌های دور، علاوه بر کاربرد ارتباطی زبان، به جنبه‌های هنری آن نیز توجه داشته‌اند. به‌عنوان مثال، در قطعه سوم یسن ۳۰ سرودهای گاهان، از آشکار شدن دو مینیوی توأمان (بر زردشت) سخن گفته می‌شود که یکی در پندار و گفتار و کردار نیک است و دیگری بد است (← عالیخانی، ۱۳۷۹: ۲۴-۲۶؛ هومباخ، ۱۹۹۱: ۱۲۳). آشکار است که شرح این نوع مفاهیم انتزاعی با زبان شعر و استعاره نمایانگر تکامل و غنای زبان و نیز رشدیافتگی بعد معناشناسی آن است.

ترجمه کتیبه‌های کهن به چندین زبان مثلاً، کتیبه داریوش بر کوه بیستون، که به سه زبان فارسی باستان، اکدی، و عیلامی است (ابوالقاسمی، ۱۳۷۴: ۱۸)، نشان می‌دهد که ایرانیان از دیرباز به مسئله تفاوت زبان‌ها و موضوع ترجمه نیز اهمیت داده‌اند و سنت ترجمه در ایران دارای پیشینه قابل بحث و بررسی است. ترجمه آثار متعدد میان زبان‌های هندی، فارسی، یونانی، و عربی و نیز ترجمه آثاری میان دوره‌های تاریخی مختلف زبان فارسی تأییدی بر این ادعا است. ترجمه و تفسیر اوستا به فارسی میانه در

۱. متن قطعه ۳/۳ و ترجمه آن، به نقل از هومباخ (۱۹۹۱: ۱۲۳) بدین شرح است:

- 30,3 *aṭ tā mainiiū +pauruiē # yā yōmā xʷafənā asruuātəm*
manahicā vacahicā # ʔiiaoʔandī hī vahiiō akəmčā
āscā hudāhō # ərəš viʔiiaṭā nōiṭ duzdāhō
- 30,3 These (are) the two spirits (present) in the primal (stage of one's existence), twins who have become famed (manifesting themselves as) the two (kinds of) dreams,
the two (kinds of) thoughts and words, (and) the two (kinds of) actions, the better and the evil.
And between these two, the munificent discriminate rightly,
(but) not the miserly.

سده هشتم میلادی (متون زند)^۱ و یا ترجمه کتاب زبور و نوشته‌های مانوی به فارسی میانه در همان دوران (همان: ۲۱-۲۲) نمونه‌هایی از این ترجمه‌هاست. ترجمه آثاری از زبان سنسکریت به پهلوی (کلیله و دمنه، طوطی‌نامه)؛ یونانی به پهلوی (منطق ارسطو)؛ پهلوی به فارسی (اسکندرنامه، سمک عیار)؛ و پهلوی به عربی (خدای‌نامه، تاج‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌ها) (← محمدی‌ملایری، ۱۳۷۲: ج ۱، ۷۲-۷۵؛ ۱۳۷۴: ۱۴۹-۱۶۴؛ صفا، ۱۳۵۱: ج ۱، ۱۰۸) مثال‌هایی دیگر در این زمینه است.

وجود دو فرهنگ لغت کهن یعنی، *اویم/ایوک* و *فرهنگ پهلوی*، که البته در دوره‌های متأخر (احتمالاً قرن‌های سوم یا چهارم هجری) گردآوری شده‌اند، و یا کتاب *العین* خلیل‌بن‌احمد فراهیدی (۹۶-۱۷۵ق)، که قدیمی‌ترین کتاب لغت در زبان عربی است، نشان می‌دهد که ایرانیان حقیقتاً به حوزه‌های کاملاً متفاوت مطالعه زبان، از جمله به موضوع نگارش فرهنگ لغت، توجه نشان داده و بدانها پرداخته‌اند. انواع فرهنگ‌ها و روش و دلایل نگارش آنها و حتی سیر مراحل تکامل فرهنگ‌نویسی در ایران خود دارای تاریخی مشخص و قابل بررسی است:

توجه ایرانیان به آثار زبان‌شناختی هند، به‌ویژه در حوزه‌های آواشناسی و تدوین دستور زبان، گویای اهمیت ایشان به دانش زبان در نزد دیگر ملت‌هاست. شواهد موجود در این زمینه حاکی از انتقال یک سنت دیرپای هندوایرانی به دوره‌های متأخر است. گفته شده است که ایرانیان قرن‌ها پیش از اروپائیان با دانش زبان‌شناختی هندی آشنا شده و در این مورد آثاری هم پدید آورده‌اند.

در قرن‌های نخست هجری، دانش و ابتکاری که در زمینه مطالعه دانش زبان حاصل نوآوری‌های اندیشه ایرانیان و نیز حاصل برخورد و تماس آنان با دیگر ملت‌ها، مخصوصاً یونان و هند، بوده است در زبان عربی به رشد و بالندگی خود ادامه می‌دهد. در این دوران آثاری مانند: *الکتاب سیبویه* (۱۴۰-۱۸۰ق)، *مخارج الحروف* ابن‌سینا (۳۷۰-۴۲۸ق)، *العین و العروص* خلیل‌بن‌احمد فراهیدی، *الحروف و احصاء العلوم* ابونصر فارابی

۱. برای ترجمه اوستا به فارسی میانه واژه‌های فراوانی، در همان دوره تاریخی، در برابر واژه‌های قدیمی و منسوخ اوستا ساخته شده است. این مطلب نشان می‌دهد که موضوع واژه‌سازی، که در مطالعات زبانی دارای جایگاه ویژه است، در گذشته نیز مورد توجه بوده است.

(۲۵۷-۳۳۸ق) پدید می‌آید که همگی آنها در زمره آثار کلاسیک ایران و جهان قرار دارند.^۱ گفته شده است که در این دوران مطالعه دانش زبان پیشرفت سریعی داشته است.

آن زمان که در دوره پیش از عصر نوزایی، [ابتدای قرن ۱۶، یعنی هشت قرن پس از سیبویه، تا ابتدای قرن ۲۰] زبان‌شناسی در غرب بر جنبه‌های لایزال و آسمانی زبان تأکید داشت، مسلمانان به دقت به بررسی جنبه‌های فیزیکی و این جهانی زبان می‌پرداختند. محققان اروپایی... زمانی به مطالعه‌ی جنبه‌ی صوری زبان رو آوردند که دیگر برای مسلمانان تازگی نداشت... آرای زبان‌شناختی مسلمانان در قرون وسطی، به صورت غیرمستقیم و از طریق مطالعات یهودیان درباره‌ی زبان عبری به اروپا راه یافت و مهم‌ترین عامل در این میان خانواده‌ی قمحی^۲ بود که در اسپانیا ساکن بودند. یوسف‌بن‌اسحاق قمحی (۱۱۰۵-۱۱۷۰م.) [چهار قرن پس از سیبویه و نیم قرن پس از ابن‌سینا] روش آواشناسی مسلمانان را در مطالعه‌ی زبان عبری به کار بست. پسرش موسی قمحی (متوفی ۱۱۹۰ م.) برپایه‌ی *الکتاب سیبویه* دستوری برای زبان عبری تدوین کرد و پسر دیگرش داود قمحی (۱۱۶۰-۱۲۳۵م.)، مهم‌ترین و مشهورترین کتاب دستور زبان عبری را به نام *کمال* به رشته‌ی تحریر درآورد. او در این کتاب به صراحت بر الگوگیری از محققان زبان عربی تأکید می‌کند (صفوی، ۱۳۸۵: ۱۲۱-۱۲۲).

بدین ترتیب، در ابتدای قرن ۱۶ آثار محققان زبان عربی، که بسیاری از آنان ایرانی بوده‌اند، به اروپا راه می‌یابد.

بررسی آثار اندیشمندان ایرانی در حوزه‌های مختلفی چون قواعد دستور، آواشناسی، معانی و بیان، بدیع، عروض و نظام وزنی، انواع روش‌های فرهنگ‌نویسی، و دیگر حوزه‌های مربوط به مطالعه‌ی دانش زبان در ادوار مختلف گویای تاریخ درخشان ایران در حوزه‌ی زبان‌شناسی و علوم وابسته است؛ تاریخی که هرگز جایگاه مناسبی در مطالعات تاریخ زبان‌شناسی نداشته است (←حق‌شناس، ۱۳۷۰؛ ۱۳۸۷) و حقیقتاً نیازمند بازخوانی است. اهمیت این بازخوانی آشنایی با «سنت فکری» (مجتهدی، ۱۳۸۵: ۶۲-۶۳) اندیشمندان ایرانی در زمینه‌ی مطالعه‌ی زبان، شناخت سیر تحول این سنت، و نیز

۱. آنچه تا این بخش از بحث ارائه شد، گزیده‌ای از درس‌گفتاری‌های راشد‌محصل در زمینه‌ی تاریخ مطالعات دانشمندان ایرانی است.

شناخت داشته‌ها و نداشته‌های این سنت است. این شناخت نه ابزاری برای تفاخر فرهنگی، بلکه مسیری برای خودشناسی و گامی در جهت پیشبرد دانش معاصر است.

مطالعه تاریخ زبان‌شناسی و غنای زبان فارسی

مطالعه دانش زبان در ایران از قدمت بسیار برخوردار است، حال آنکه دانش معاصر زبان‌شناسی هیچ ارتباط معنی‌داری را با این بخش از تاریخ خود شرح نمی‌دهد و به صورت یک دانش کاملاً جدید و غریبومی در ایران جلوه‌گر می‌شود. حتی خود اصطلاح زبان‌شناسی، که عنوان این رشته است، حاصل ترجمه مستقیم از فرهنگ‌های بیگانه است. شاید یکی از دلایل این امر آن است که ارتباط و تناسب میان دستاوردهای گذشتگان ما و آنچه که دانش نوین زبان‌شناسی نامیده می‌شود هنوز به درستی شناخته نشده است. اگر این سخن صحیح باشد، آنگاه بازخوانی کیفی متون گذشتگان باید بتواند ارتباط و تناسب میان این دو را شرح دهد؛ در آن صورت، بازخوانی متون گذشته می‌تواند سهمی در بومی‌سازی دانش معاصر زبان‌شناسی بیابد و این مسئله - یعنی، بومی‌سازی دانش معاصر زبان‌شناسی از طریق بازخوانی تاریخ مطالعه این دانش در ایران - مطلبی است که در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته است.

ضرورت پرداختن به این مسئله، ضرورت پیشبرد مطالعه زبان فارسی و شرح ساختار آن است. زبان‌شناسی معاصر، که به عنوان مطالعه علمی زبان معرفی می‌شود، هنوز شناخت جامع و کاملی از پیشینه تاریخی خود به دست نیاورده است. اما کسب یک دانش و پیشبرد آن، بدون اطلاع جامع و کامل از تاریخ آن دانش، اصلاً چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ هنگامی که این پیشینه به نحوی به زبان فارسی و اندیشمندان این زبان مربوط باشد، نقش بیشتری در مطالعه آن خواهد داشت.

در پنجاه سال اخیر، در مراکز اسلام‌شناسی و شرق‌شناسی دانشگاه‌های آمریکا و انگلستان، ضرورت پژوهش در زمینه شخصیت‌های تاریخ زبان‌شناسی قرن‌های نخست هجری دریافت شده و بسیاری از آثار علمی این دوران تحت عنوان کلی «تاریخ زبان‌شناسی عرب» مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. البته، باید گفت که صحت انتخاب این عنوان، در معرفی پژوهشگرانی که اکثراً ایرانی‌تبار بوده‌اند، خود موضوعی هشداردهنده و نیازمند واکنش مناسب از سوی جامعه علمی زبان‌شناسی ایران است.

پژوهش‌های مذکور برون‌دادهایی داشته است که اکثراً در قالب کتاب و مقاله منتشر شده است؛ آثاری که در بسیاری از کشورها و حتی در ایران درس‌نامه شده است! این مطلب (منظور تحریف تاریخ علمی ایران) خود گویای ضرورت توجه پژوهشگر ایرانی به این موضوع و بررسی مطالعات انجام‌شده با رویکرد انتقادی است. امروزه، نگاه منتقدانه به مطالعات شرق‌شناسان ضرورت یافته و برخی معتقدند که مطالعات شرق‌شناسان در نهایت مخاطب را خواسته و ناخواسته به شرقی می‌رساند که «آفریده غرب است، شرق‌شناسی انگلیسی، شرق‌شناسی آمریکایی، شرق‌شناسی روسی و فرانسوی و پرتغالی» (سعید، ۱۳۶۱: ۱۱). وجود سابقه استعمار و بهره‌گیری از دسترنج دیگر ملت‌ها در تاریخ تمامی این کشورها خود بیانگر ضرورت ارزیابی دقیق یافته‌های پژوهش‌های شرق‌شناسی و اهداف آنهاست.

ضرورت دیگری که انجام پژوهش در مورد متن‌های تاریخ زبان‌شناسی ایران را الزامی می‌کند ضرورت تلاش در زمینه غنای زبان فارسی است. یکی از روش‌های غنای هر زبان احیا و بازسازی مفاهیم، تعریف‌ها، و فهرست واژگان و اصطلاحات بومی است و مطالعه تاریخ علمی می‌تواند چنین نقشی را ایفا کند. به‌عنوان مثالی در این زمینه، می‌توان به واژه خرد اشاره کرد. این واژه که امروزه نیز در ترجمه اصطلاح rationalism 'خردگرایی' در برابر empiricism 'تجربه‌گرایی' (هر دو از مبانی اصلی زبان‌شناسی معاصر) به کار می‌رود، در متون کلاسیک ایران نیز دارای بسامد فراوان و معانی متعدد است. میرفخرایی (۱۳۸۸: ۷) در این مورد می‌گوید:

واژه‌ی خرد در فارسی نو به معنی عقل، دریافت، ادراک، تدبیر، هوش، دانش و... آمده است (← لغت‌نامه). واژه ظاهراً از ریشه‌ی هندواروپایی *kar- به معنی "به یاد آوردن"، "بزرگ داشتن"، "ستودن" است (kar-^۲؛ Pokorny, 530؛ اوستا: kar-^۲ اندیشیدن) که با پسوند اسم‌ساز -tu- در سنسکریت krātu- در معنی "تیروی معنوی" (← Herzfeld, 235-7; Monier Williams, 319) و "خرتو" xratu- در اوستا، به معنی "خواست و توان معنوی، اراده، تصمیم، قصد، نیت" به کار رفته است (← Bartholomae, 535-6) و "خرتومند" (اوستا: xratumant- سنسکریت: krátumant- کسی است که واجد همه‌ی این ویژگی‌های معنوی است. کاربرد واژه در گاهان، قدیم‌ترین بخش اوستا، نسبتاً زیاد است و این خود نشان می‌دهد

که این واژه‌ی کلیدی، چنان دیگر واژه‌های گاهانی، گستره‌ی معنایی پیدا و پنهان بسیاری دارد.^۱

یک نمونه از کاربرد این واژه در گاهان قطعه ۲۸/۱ است. هومباخ (۱۹۹۱: ۱۱۷) در ترجمه این بخش از کتاب واژه intellect را در برابر واژه xratūm به کار برده است. متن این قطعه و ترجمه انگلیسی آن بدین شرح است:

28,1 *ahiiā yāsā namanhā # ustānazastō rafōbrahiiā*
+mainiiōuš mazdā paouruuīm # spañtahiīā ašā višpāñg šiiāošanā
vanhāuš xratūm mananhō # yū xšnōuušā gōušcā uruūānam

28,1 [ab] With hands stretched out (and) in reverence to Him I first entreat
 all (those present), O Wise One, for actions of support for the spirit,
 prosperous through truth,
 (for the spirit) with which Thou mightest satisfy the intellect of good thought
 and the soul of the cow.

نمونه دیگر برای کاربرد پرسامد اصطلاح خرد، در متون کلاسیک ایران کاربرد این اصطلاح در شاهنامه فردوسی (۱۳۸۶) است. میرفرخایی (۱۳۸۸: ۱۲) در این مورد می‌گوید:

تجلیات و کارکردهای مختلف خرد از دوره‌ی میانه به دوره‌ی نو نیز رسیده است و در متون نثر و نظم بر اهمیت آن در همه‌ی شئون زندگی مادی و معنوی تأکید شده است، اما از میان همه‌ی آثار فارسی، شاید شاهنامه گواهی‌گوی‌تر بر اهمیت "خرد" و بازتاب ویژگی‌های آن از دوره‌ی گذشته ایران و فرهنگ ایران باستان به دوره‌ی نو باشد و بی‌جا نیست که حکیم توس نخستین بیت شاهنامه را با نام "خرد" آغاز می‌کند و خداوند بزرگ را "خداوند جان و خرد" می‌نامد.

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه بر نگذرد

(شاهنامه ص ۱)

با توجه به آنچه شرح داده شد، حال باید پرسید که آیا اصطلاح خرد، که در این نوع متون به دفعات تکرار شده است، به معنی یا معانی متفاوت از اصطلاح خرد در

۱. این نقل قول دارای یادداشت‌هایی است که در اینجا ذکر نشده است.

خردگرایی اشاره دارد؟ یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت است، آیا این معانی متفاوت می‌تواند نقشی در توصیف زبان ایفا کند؟ پاسخ به این نوع پرسش‌ها می‌تواند از طریق احیا و بازسازی مفاهیم بومی نقش چشمگیری در غنا و حتی در گسترش زبان فارسی داشته باشد.

الکتاب نقطه عطفی در تاریخ زبان‌شناسی ایران و جهان

از اواخر دوره ساسانی (۲۲۴-۶۵۱ م) تا قرن‌های متمادی پس از ظهور اسلام بخش مهمی از تاریخ علمی ایران رقم می‌خورد. در این دوره تاریخی، آثار متعددی به زبان‌های فارسی و عربی در علوم مختلف پدید می‌آید و نیز متون علمی متعدد میان زبان‌های فارسی، عربی، و یونانی ترجمه می‌شود. در این دوران، شخصیت‌هایی زیسته‌اند که پژوهش در زمینه آثار و افکار آنان هم‌اکنون هم در محافل علمی ایران و جهان رواج دارد. یکی از مهم‌ترین چهره‌های تاریخ علمی ایران که در دوره مذکور می‌زیسته است سیبویه (۱۴۰-۱۸۰ ق برابر با ۷۶۰-۷۹۶ م)، زبان‌شناس ایرانی، است؛ شخصیتی که وی را در علم نحو، مانند مجسطی در هیئت و ارسطو در منطق شمرده‌اند (تهامی، ۱۳۸۵: ۱۲۸۴).

اثر معروف سیبویه *الکتاب* نام دارد. *الکتاب* توصیفی جامع و مانع از زبان عربی است. نگارش اثری به وزن و اهمیت *الکتاب* در توصیف یک زبان، به ویژه زبان غیربومی محقق، در دوره معاصر نیز کار ساده‌ای نیست. ارائه توصیفی کامل و ماندگار از یک زبان، بیش از هزار سال پیش، آن هم به نحوی که اصول و مبانی زیرساختی آن قابل هم‌سنجی و رقابت با نظریات معاصر باشد، حقیقتاً بروز نقطه عطفی در تاریخ زبان‌شناسی ایران و جهان است؛ اگرچه که منابع و کتب زبان‌شناسی نوین (البته به استثنای چند دهه اخیر) از پرداختن به این مطلب غافل مانده باشند.

حتی بررسی بخش کوچکی از *الکتاب*، شباهت بی‌نظیری را که میان مبانی اصلی رویکرد سیبویه و نظریات فردینان دوسوسور^۱ وجود دارد کاملاً آشکار می‌سازد: اصالت هم‌نشینی، جانشینی، ساخت، ساختار، نظام، نشانه و مانند آنها. اگر تبلور اندیشه‌های

فردینان دوسوسور سرآغاز زبان‌شناسی نوین شناخته شود، آنگاه باید گفت: نگارش اثری به اهمیت *الکتاب* مقدمه‌ای بر این سرآغاز بوده است. *الکتاب* از قرن دوازدهم میلادی یعنی، چهار قرن پس از نگارش به اروپا راه یافته است، نخست در میان دانشمندان یهودی در اسپانیا و پس از آن در میان دانشمندان فرانسه و آلمان در پایان قرن نوزدهم! بنابراین، پژوهش‌های متعددی که در زمینه ترجمه و بررسی *الکتاب*، در قرن‌های گذشته، در مغرب‌زمین انجام می‌شود، زمینه‌ای برای بسط و همه‌پذیر شدن افکار فردینان دوسوسور پدید می‌آورد.

مایکل کارتر^۱ پس از مشاهده شباهت فراوانی که میان نظریات سیبویه و فردینان دوسوسور وجود دارد، در آخرین سطرهای کتاب معروف خود با عنوان سیبویه می‌گوید: اصلاً نیازی نیست که به سیبویه به‌عنوان پدر هیچ‌یک از نوآوری‌های زبان‌شناسی غربی نگاه کرد: هیچ ارتباط تاریخی در بین نیست. البته، کمی وسوسه‌انگیز است که بدانیم آیا دوسوسور هرگز ترجمه یان از *الکتاب* را خواند یا خیر؟ ترجمه‌ای که هنگامی پدید آمد که دوسوسور در حال نگارش یادداشت‌های خود بود (کارتر، ۲۰۰۴: ۱۴۵).

تأیید یا ردّ این سخن، که البته با ادبیات دستوری بیان شده است، نیازمند پژوهش‌های بنیادی در این زمینه است، لیکن به نظر می‌رسد که آنچه بیش از این کشف تاریخی اهمیت دارد شناخت و معرفی دقیق نظریات اندیشمندی است که اصالتاً از چنین جایگاه و شأنی برخوردار است: «پدر نوآوری‌های زبان‌شناسی غربی».

الکتاب و سنت نظری زبان‌شناسی ایرانی

پژوهش در مورد متن *الکتاب* از گذشته دور تا امروز موضوع بسیاری از محققین بوده است. در عصر کنونی نیز پژوهش در مورد این اثر، به‌عنوان نمونه اعلای یک سنت زبان‌شناسی، مجدداً اهمیت یافته و پرسش‌های متعددی پیرامون این سنت فکری مطرح شده است که نیاز است پژوهشگران رشته‌های مختلفی چون: زبان‌شناسی، فرهنگ و زبان‌های باستانی، منطق، فلسفه، ادبیات فارسی، ادبیات عرب، الهیات، فقه، اصول، اخلاق، تاریخ اسلام، و مانند آنها، با ارائه خوانش جدید از این کتاب، پاسخگوی این

پرسش‌ها باشند.

از منظر زبان‌شناسی، توصیف یک زبان، بدون وجود نوعی ملاحظات نظری مقدماتی امکان‌پذیر نیست. بنابراین، *الکتاب* به‌عنوان یک متن توصیف زبان، قطعاً دارای زیرساخت‌ها و مبانی نظری مقدماتی است، هرچند که این مبانی نظری به صورت مستقیم در این اثر مطرح نشده باشد و این مطلبی حائز اهمیت است. هم‌اکنون مهم‌ترین پرسش‌هایی که در مورد این اثر فراوی زبان‌شناسان قرار دارد، عبارت است از اینکه:

- توصیف زبان در *الکتاب* مبتنی بر کدام اصول و مبانی نظری است؟

- این اصول و مبانی نظری از چه مؤلفه‌هایی تشکیل شده است؟

- چگونه می‌توان به این مؤلفه‌ها دست یافت؟

پاسخ به این نوع پرسش‌ها نه تنها شناخت دقیقی در مورد منش علمی سیبویه در مقام یک زبان‌شناس ایرانی در اختیار می‌گذارد، بلکه همچنین، شرحی پیرامون یک سنت فکری دیرپای ایرانی ارائه می‌کند؛ سنتی که اگرچه به احتمال فراوان، از دیگر سنت‌های زبان‌شناسی مثلاً، هندی و یونانی تأثیر پذیرفته است، لیکن به هیچ‌وجه نمی‌توان ادعا کرد که دارای ویژگی‌های منحصربه‌فرد نیست، ویژگی‌هایی که دستاورد اندیشه ایرانی در تاریخ زبان‌شناسی جهان بوده است. شناخت سنت فکری مورد بحث مستلزم بررسی دقیق آثار و اسنادی است که در تاریخ زبان‌شناسی به قلم اندیشمندان ایرانی پدید آمده است و بدون شک، *الکتاب* سیبویه نمونه‌ای شاخص از این سنت است. *الکتاب* توصیف یک زبان طبیعی است؛ بنابراین، نوعی متن تخصصی زبان‌شناسی است. همان‌گونه که می‌توان بر مبنای اصول نظری یا مؤلفه‌های کلیدی یک رویکرد نظری به توصیف یک زبان یا بخش‌های مشخصی از یک زبان اقدام نمود، به همان ترتیب هم می‌توان از بررسی توصیف یک زبان به بسیاری از ویژگی‌ها و اصول نظری زیرساختی آن توصیف دست یافت. اکثر سیبویه‌پژوهان نیز در تلاش برای بازسازی نظام نظری سیبویه به مطالعه *الکتاب* مبادرت می‌ورزند. از آنجایی که شکل‌گیری یک رویکرد نظری معمولاً دارای یک سیر تحولی است، بنابراین، بازشناسی سازه‌ها یا مؤلفه‌های رویکرد زبانی سیبویه، به‌عنوان یک زبان‌شناس ایرانی، بازشناسی سازه‌ها و مؤلفه‌های سنت نظری زبان‌شناسی ایران در مرحله‌ای از سیر تحولی خود می‌باشد. شناخت این

سنت نظری، احیای این سنت، و شرح ارتباط میان این سنت و یافته‌های زبان‌شناسی معاصر همگی می‌تواند جایگاه اندیشمندان ایرانی را در تاریخ زبان‌شناسی به درستی شرح دهد؛ پلی میان گذشته و حال ایجاد کند؛ معنا و مفهوم جدیدی برای برخی از یافته‌های زبان‌شناسی معاصر ارائه کند؛ الگوهای سنتی توصیف زبان را احیا کند؛ توصیف‌های کلاسیک از زبان فارسی ارائه دهد؛ و در نهایت در غنای زبان فارسی مؤثر باشد.

فضای فکری/کتاب

سیبویه فارسی از مفاخر تاریخ علمی ایران است. وی نه تنها یک زبان‌شناس و دستورنویس، بلکه فیلسوف؛ منطق‌دان؛ مفسر؛ ادیب؛ عارف؛ متکلم؛ و مسلط به فقه، اصول، اخلاق، و الهیات بوده است. همین مطلب باعث شده است که *الکتاب* با علوم متعددی در ارتباط بوده و از زوایای بسیار متفاوتی قابل تحلیل و بررسی باشد. ویژگی‌های پدیدارشناختی و هرمنوتیکی متن اثر، که کاملاً متناسب با زبان مورد توصیف یعنی، زبان عربی قرآن کریم است، سبک نگارش آن را متفاوت از یک متن توصیف زبان به معنای متعارف آن کرده است. از سوی دیگر، کتاب اثری متعلق به بیش از هزار سال پیش است. طبیعتاً سنت فکری مربوط به این اثر، که متعلق به گذشته‌ای بسیار دور است، می‌تواند کاملاً متفاوت از فضای ذهن و اندیشه پژوهشگر معاصر باشد. تمامی این عوامل باعث شده است که مطالعه کتاب نیازمند آماده‌سازی فضای فکری محقق باشد.

یکی از روش‌های آماده‌سازی فضای ذهنی محقق *الکتاب*، مطالعه فهرست متنوعی از آثار اندیشمندان و شخصیت‌های علمی و ادبی تأثیرگذاری است که به ویژه در قرن‌های اول تا پنجم هجری می‌زیسته‌اند (مواردی مانند: ابن‌سینا، ۱۳۱۵؛ ۱۳۱۶؛ ۱۳۱۸؛ ۱۳۲۶؛ ۱۳۳۱؛ ۱۳۳۳؛ ۱۳۴۸؛ ۱۳۵۲؛ ۱۳۷۰؛ ۱۳۷۳؛ فارابی، ۱۳۸۰؛ ۱۳۸۷؛ ۱۳۸۸؛ ۱۳۸۹). به‌طور معمول، یک سنت نظری اصیل و ماندگار در زمینه مطالعه زبان با علوم هم‌عصر خود در تعامل قرار دارد و *الکتاب* نیز به‌عنوان نمادی از یک سنت نظری زبان‌شناختی از این قاعده مستثنا نیست. الگوی فکری سیبویه - هرآنچه که بوده باشد - با الگوی فکری اندیشمندان هم‌عصر خود شباهت‌های اساسی داشته است. بنابراین، مطالعه طیفی از آثار

متنوع مربوط به قرن‌های نخست هجری و انجام پژوهش‌های تطبیقی در مورد آنها می‌تواند پژوهشگر/کتاب را در شناخت بهتر این اثر یاری نماید. شاید به همین دلیل است که اکثر پژوهش‌هایی که در معرفی سنت فکری سیبویه انجام شده است دارای رویکرد تطبیقی است. پژوهش حاضر نیز از همین ویژگی برخوردار است یعنی، در این تحقیق هم، به منظور درک فضای فکری و شناخت و بازسازی زیرساخت‌های نظری/کتاب، پیوسته مقایسه و تطبیق میان متن اثر و برخی از متون تاریخ علمی و ادبی ایران صورت می‌پذیرد.

آشنایی با زبان/کتاب

یکی از الزامات «سیبویه پژوهی» (باهر ۱۳۹۱) آشنایی با زبان عربی، به ویژه سبک عربی قرآن کریم، است. محقق زبان‌شناسی نمی‌تواند صرفاً ترجمه‌های مختلفی را که از متن کتاب ارائه شده است مبنای پژوهش در زمینه شناخت سنت فکری سیبویه قرار دهد، بلکه باید مستقیماً متن اثر را درک کند. این بدان سبب است که در ترجمه یک متن تخصصی، این امکان وجود دارد که هنگام معادل‌گذاری اصطلاحات فنی تغییراتی در مفاهیم متن اصلی ایجاد شود. تغییرات ناشی از ترجمه، قطعاً بر تجزیه و تحلیل‌های مبتنی بر آن ترجمه تأثیرگذار است.

در پژوهش حاضر، نگارنده سعی نموده است تا به منظور درک متن اصلی در اقلیم زبانی خود متن، نخست متن عربی را بررسی نموده و پس از آن نقطه‌نظرات گوینده بومی مسلط به تدریس دستور زبان عربی را در مورد مقدمه نظری/کتاب گردآوری نماید. بدین منظور ناجیه کاشانی، گوینده بومی زبان عربی، که به زبان فارسی فقط در سطح گفتار روزمره آشنایی داشته است، صرفاً با استفاده از متن عربی و حاشیه‌نویسی‌های ابوسعید سیرافی، شش فصل ابتدای اثر را در قالب اصطلاحات خود متن برای این نگارنده شرح داده است. این شرح و توضیح شامل هشت ساعت نوار ضبط‌شده در چهار جلسه است. مطالب گردآوری‌شده از این جلسات شامل اطلاعاتی است در زمینه:

۱. توضیح مطالب شش فصل اول/کتاب، با تمرکز بر متن اثر و حاشیه‌نویسی‌های

ابوسعید سیرافی؛

۲. ذکر نکاتی در زمینه تفاوت‌های *الکتاب* با سایر دستورهای موجود از زبان عربی، مخصوصاً *الفیه ابن‌مالک* (ابن‌مالک، ۱۲۵۱ق)، که در قواعد و اصول نحو عربی سروده شده است، و *بهجت‌المرضیه* (سیوطی، ۱۲۹۷ق)، که شرح فلسفی از *نحو الفیه ابن‌مالک* است، و هر دو مورد بر مبنای *الکتاب* نگاشته شده است؛
۳. معرفی ویژگی‌هایی از متن که نشانی از غیرومی بودن پدیدآورنده متن داشته است؛
۴. شرح و بررسی برخی از بخش‌های مبهم در متن عربی.

ترجمه متن *الکتاب*

تجزیه و تحلیل متن *الکتاب*، در نخستین گام، نیازمند ترجمه اثر به زبان پژوهشگر است. در پژوهش حاضر، به منظور ارائه ترجمه فارسی از شش فصل نخست کتاب، متن عربی *الکتاب* چاپ مصر^۱ (سیبویه، ۱۳۱۶ق: ۱-۸)، ترجمه انگلیسی سلیمان سارا^۲ (۲۰۰۳: ۳۵-۵۲) از *الکتاب*، و متن عربی مورد استفاده وی در همان ترجمه (ویراست درن‌بورگ^۳) به صورت مقابله‌ای بررسی شده است.^۴ علاوه بر آن، نقطه‌نظرات گوینده بومی و مدرس دستور زبان عربی (که در بند پیش بدان اشاره شد) و همچنین، شرح و تحلیل‌های سیبویه‌پژوهان و صاحب‌نظران معاصر داخلی و خارجی در مورد کتاب همگی مبنایی برای تنظیم ترجمه و گزینش اصطلاحات تخصصی بوده است.

در ارائه ترجمه فارسی سعی شده است تا نخست از اصطلاح‌های تخصصی خود متن و پس از آن، از اصطلاح‌های تخصصی زبان‌شناسی معاصر استفاده شود. همچنین، همواره این موضوع مورد توجه قرار گرفته است که جایگزینی اصطلاح‌های متن با

۱. این کتاب نخستین بار در سال ۱۹۰۰ میلادی، با شرح ابوسعید سیرافی، در دو جزء، در مصر چاپ و منتشر شده است.

2. Solomon Sara

3. Derenbourg's edition

۴. سلیمان سارا تاکنون ۵۰ فصل از *الکتاب* را به زبان انگلیسی ترجمه نموده است. این ۵۰ فصل، در قالب نه مقاله دوزبانه (عربی - انگلیسی)، در نشریه الکترونیکی سنت زبان‌شناسی عربی منتشر شده است. در پژوهش حاضر، مقاله نخست از این مجموعه، که شامل متن عربی و ترجمه انگلیسی شش فصل نخست *الکتاب* است، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اصطلاح‌های زبان‌شناسی معاصر به گونه‌ای و در حدی انجام نشود که معنای متن اصلی را بیهوده افزایش یا کاهش دهد؛ از سوی دیگر، این جایگزینی به نحوی باشد که متن برای برگرفتن مفاهیم زبان‌شناختی هرچه مناسب‌تر گردد.

تحلیل متن‌الکتاب

معمولاً در پژوهش‌های کیفی که در مورد متن‌های تاریخی انجام می‌شود ترکیبی از روش‌ها یا سنت‌های پژوهشی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در پژوهش حاضر نیز ترکیبی از روش‌های تحلیل متن شامل: تحلیل تفسیری^۱، تحلیل ساختاری^۲ و برخی از دستورالعمل‌های مربوط به پژوهش‌های هرمنوتیک^۳ و پدیدارشناسی^۴ مورد استفاده قرار گرفته است. ارائه تحلیل‌های تفسیری و ساختاری روش معمول در پژوهش‌های کیفی زبان‌شناسی است. حاصل تحلیل‌های تفسیری و ساختاری مشخص شدن سازه‌ها و الگوهای نمادین در متن و نیز مقوله‌بندی آنهاست. برخی از مقوله‌های موجود در متن کتاب، که پس از این دو نوع تحلیل مشخص شده است، عبارتند از: فهرست اصطلاحات فنی؛ شاهدمثال‌ها؛ عنوان فصل‌ها، که هر یک نمودی از الگوهای اصلی روند توصیف زبان در متن است؛ حتی فهرست واژگان غیرفنی، که نمایانگر ادبیات متن است. از طریق این مقوله‌ها می‌توان به توصیف و تبیین پدیده مورد بررسی یعنی، سنت نظری زبان‌شناسی در دوره نگارش اثر دست یافت.

بهره‌گیری از روش‌های هرمنوتیک و پدیدارشناسی معمولاً کاربرد کمتری در مطالعات زبان‌شناسی دارد که به همین سبب در ادامه توضیحی پیرامون کاربرد این دو روش ارائه شده است. بدیهی است که در عصر کنونی، سبک نگارش متون علمی و فنی بسیار متفاوت از نگارش این نوع متون در ادوار گذشته است. امروزه متون تخصصی، معمولاً، فاقد ویژگی‌های هرمنوتیکی و پدیدارشناختی‌اند، لیکن این مطلب در مورد

1. interpretational analysis
2. structural analysis
3. hermeneutics
4. phenomenology

متون سنتی صادق نیست. به همین سبب، ارائه تحلیل‌های هرمنوتیکی و پدیدارشناختی به درک بهتر متون سنتی کمک می‌کنند.

الف) هرمنوتیک

اصطلاح هرمنوتیک در اصل به معنای تفسیر متن‌های مقدس بوده است. در فلسفه و علوم اجتماعی معاصر، هرمنوتیک معنای دیگری یافته و اشاره به مطالعه فرآیندی دارد که افراد به وسیله آن به معنای یک متن دست می‌یابند. اصطلاح متن می‌تواند اشاره به یک سند داشته باشد، اما همچنین می‌تواند به آداب اجتماعی، اسطوره‌های فرهنگی و هر چیز دیگر اشاره داشته باشد که حاوی پیامی است که می‌توان آن را خواند. یکی از ویژگی‌های قابل ذکر در تحلیل هرمنوتیک این است که فرآیند تفسیری، بر خود متن متمرکز می‌شود؛ یعنی مفاهیم کلیدی استدلال پژوهشگر، تعارض و توافق وی همه مبتنی بر متن است، به جای آنکه دیدگاه محقق یا نظریه فرد دیگری بر آن تحمیل گردد (نصر و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۰۰-۱۱۰۴).

هرمنوتیک در دوره‌های مختلف تاریخ معانی مختلف به خود گرفته است، از پذیرش معنایی نهایی و واحد برای یک متن (هرمنوتیک کلاسیک) گرفته تا پذیرش دریافت‌های متفاوت خوانندگان از یک متن واحد (هرمنوتیک فلسفی). در قرن معاصر هم هرمنوتیک مدرن با بازگشت به هرمنوتیک کلاسیک می‌کوشد تا از سویی، با تمرکز بر متن نخست معنای ثابتی را که از الفاظ متن حاصل می‌شود دریابد، سپس معنای مورد نظر نویسنده را با اتکا به شواهد آن معنا، که در هر دوره‌ای ممکن است متفاوت باشد، دریافت کند و بدین ترتیب، راه را بر تفسیرهای نادرست مسدود نماید. به عنوان مثال، واژه قلم به معنای ابزاری است برای نوشتن، در تمام دوره‌های تاریخی (معنای ثابت)، ولیکن نمونه آن در هر دوره‌ای شکل و صورتی متفاوت دارد (شواهد متفاوت).

به منظور بررسی هرمنوتیکی/کتاب در پژوهش حاضر، سعی شده است تا نخست تمرکز بر متن اصلی قرار گیرد و معنای ثابت آن دریافت شود. این معنای اولیه می‌تواند در دوره کنونی نیز کاملاً رایج باشد، اما شکل و صورتی متفاوت به خود گرفته و در قالب اصطلاحات نوین ظاهر شده باشد که برای دریافت این مطلب نیاز به بررسی تطبیقی است.

(ب) پدیدارشناسی

پدیدارشناسی پژوهشی دربارهٔ جهان است، آن گونه که بر افراد جلوه گر می شود، هنگامی که آنها خود را در حالتی از آگاهی قرار می دهند که گویا تلاشی برای آزاد شدن از سوگیریها، تعصبات و عقاید روزمره باشد. در انجام پژوهش پدیدارشناختی، پژوهشگر با پدیده های مورد پژوهش، ارتباط نزدیک دارد و می خواهد خود را در جریان تجربه این پدیده ها بشناسد. از این جهت، پژوهش پدیدارشناختی در نقطهٔ مقابل پژوهش کمی نگر قرار دارد که در آن سعی می شود با استفاده از روش های عینی گردآوری و تحلیل داده ها، خویشتن پژوهشگر از پدیده های مورد پژوهش متمایز شود (همان: ۱۰۴۷-۱۰۴۸).

به طور کلی، پدیدارشناسی می تواند معانی نسبتاً متفاوتی داشته باشد. مفهومی که در این تحقیق مورد نظر است، مفهومی است که هانری کربن^۱ (۱۳۶۹: ۲۰-۲۳) در کتاب *فلسفهٔ ایرانی و فلسفهٔ تطبیقی* آن را شرح داده است. وی در شرح پدیدارشناسی مورد نظر خود، نخست، به مفهوم مورد نظر ماسون اورسل^۲ اشاره نموده و می گوید که وی (ماسون اورسل) موضوع فلسفهٔ تطبیقی را «نه بیان همسانی کمابیش گمراه کنندهٔ اصطلاحات بلکه مشابَهت رابطه (از نوع $a/b=c/d$) می دانست» (که به نظر می رسد، این مطلب به لحاظ روش شناسی، قابل بسط به پژوهش های زبان شناسی تطبیقی هم باشد). کربن می گوید که تحلیل مورد نظر ماسون اورسل، بیش از حد، وابسته به مفهوم تاریخ به معنای وابستگی به تواتر زمانی و احکام مشروط علیت تاریخی است. وی می گوید:

شکی نیست که از این گونه پژوهشها نمی توان چشم پوشید... اما چنین پژوهش هایی در درجهٔ اول، به طور ذاتی، موضوع فلسفهٔ تطبیقی نیستند... بنابراین آنچه فلسفهٔ تطبیقی می تواند در بخشهای متفاوت میدان ویژهٔ مقایسه، مورد توجه قرار دهد نخست آن امری است که ادراک شهودی یک ذات نامیده می شود. این واژه به اصطلاحات پدیدارشناسی یا به طور دقیق تر به پدیدارشناسی خاص هوسرل مربوط می شود و نه پدیدارشناسی وجودی... به نظر من درست به دلیل ظهور پدیدارشناسی است که کوششی مانند کوشش ماسون - اورسل اعتبار خود را از دست داده است (همان: ۲۰)

بنابر آنچه مطرح شد، تحلیل پدیدارشناختی مورد نظر کربن از روش سیر تطور تاریخ -

1. Henry Corbin

2. Paul Masson Ourcel

که از روش‌های معمول در پژوهش‌های تاریخی است - و نیز از بررسی تطبیقی فهرست اصطلاحات و حتی از تطبیق رابطه‌های مشابه میان دو متن یا دو گفتمان مختلف فاصله می‌گیرد، اگرچه که او اهمیت این نوع پژوهش‌ها را نادیده نمی‌گیرد.

حقیقتاً، در بررسی آثاری که قرن‌های پی‌درپی تأثیرگذار بوده‌اند مفهوم زمان و سیر تحول نظریات در طول زمان اهمیت کمتری می‌یابد. در این‌گونه موارد، مسئله مهم‌تر پیوندی است که این نوع آثار در میان نسل‌ها ایجاد می‌کنند. شرح و بررسی این پیوند نیازمند مطالعات تطبیقی است. بدیهی است که نخستین گام برای آغاز یک مطالعه تطبیقی، برابری اصطلاحات است.^۱ پس از آن، بازشناسی روابط مشابه میان متن مورد بررسی (در اینجا/الکتاب) و دیگر متون قرار می‌گیرد که این مهم نیز خود نیازمند تطبیق معنای ثابت متن اثر با معانی دیگر متون (مانند زبان‌شناسی، فلسفه، منطق، الهیات، ادبیات، حماسه، اسطوره...) است.

کربن اگرچه بارها به نظریات بنیان‌گذاران پدیدارشناسی، به ویژه ادموند هوسرل،^۲ اشاره می‌نماید، اما در نهایت، در شرح دقیق پدیدارشناسی مورد نظر خود چنین می‌گوید:

این معنا به هیچ مکتب خاص پدیدارشناسی وابسته نیست. نایستی سعی کنیم که این کلمه را به یاری فرهنگ لغت فارسی ترجمه کنیم؛ بهتر است ببینیم بررسی پدیدارشناسانه چگونه عمل می‌کند... پدیدار چیزی است که خود را نشان می‌دهد، امری است که ظاهر می‌شود و در این ظهور چیزی را آشکار می‌سازد که در آن نمی‌تواند آشکار شود مگر در صورتی که در عین حال در زیر آن ظاهر پوشیده بماند. چیزی در پدیدار، خود را آشکار می‌سازد و خود را جز با پنهان کردن نمی‌تواند آشکار سازد... پدیدار، ظاهر و بیرون است. آنچه که در این ظاهر خود را ضمن پنهان کردن آشکار می‌سازد همان باطن و درون است. پدیدارشناسی ضمن آشکار ساختن و رها کردن امر ناپیدایی که خود را زیر ظاهر پنهان کرده «تجارت دادن پدیدار» و ظاهر است. بنابراین شناختن پدیدار [یا] پدیدارشناسی، بیان امر ناپیدا و نادیدنی پنهان شده در آن چیزی است که دیدنی است، این که پدیدار خود را چنانکه می‌خواهد به شخصی

۱. البته، چنان‌که اشاره شد، از نظر کربن برابری اصطلاحات به هیچ وجه تطبیق نیست؛ کربن مبنای تطبیق را پدیدارشناسی می‌داند و در مطالعات تطبیقی خود به آن استناد می‌کند (پازوکی، ۱۳۸۵: ۶۹-۷۱).

۲. Edmund Husserl

که مورد نظر است [منظور مخاطب] بنمایاند. پس این روشی است که با روش تاریخ فلسفه و نقادی تاریخی متمایز است. اما آیا در این صورت، پژوهش پدیدارشناسانه همان امری نیست که رساله‌های کهن ما با اصطلاح کشف‌المحجوب بیان کرده‌اند؟ آیا این همان امری نیست که با اصطلاح تأویل که در تفسیر معنوی قرآن اساسی است بیان شده است؟ تأویل، چیزی را به اصل خود رساندن است. امری که مورد تأویل قرار گیرد از یک مرتبه وجودی به مرتبه دیگر آن گذر داده می‌شود تا ساختار ذات آن رها شود (امری که به معنای ساختارگرا بودن نیست). ساختار^۱ همان ترتیب مظاهر است (همان: ۲۱-۲۲).

چنان‌که از این نقل قول برمی‌آید، کربن با کاربرد اصطلاحات «کشف‌المحجوب»، «تأویل»، و «تفسیر معنوی» مفهوم پدیدارشناسی مورد نظر خود را، که کاملاً قابل اعمال بر مطالعه متن /الکتاب است، در قالب مفاهیم بومی ایران شرح می‌دهد. به عبارت دیگر، وی ارتباط میان این مفاهیم بومی را با پدیدارشناسی توضیح می‌دهد. آشکار است که مطالب مطرح‌شده در این نوع تحلیل از متن کتاب را می‌توان به‌عنوان یک فرضیه در نظر گرفت، فرضیه‌هایی که از جمله نتایج یک پژوهش کیفی به حساب می‌آید. اعتبار و پایایی^۲ این نوع نتایج، هنگامی که مبتنی بر بررسی مورد یا مواردی محدود باشد، به عوامل متعدد وابسته است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: امکان بسط و تعمیم مفاهیم مطرح‌شده در دیگر موارد و نیز تأیید توسط دیگر پژوهش‌ها.

تطبیق سنت نظری سیبویه با نظریات زبان‌شناسی معاصر

تاکنون پژوهش‌های متعددی در زمینه شناخت سنت نظری اندیشمندان مسلمان، به ویژه تطبیق سنت نظری سیبویه با نظریات زبان‌شناسی معاصر، صورت پذیرفته است. در مجامع علمی غرب، این نوع پژوهش‌ها، از اواخر دهه شصت میلادی به ترتیب با پژوهش افرادی چون مایکل کارتر، کیس ورستیگ،^۳ جاناتان اُونز،^۴ جورجز بوهاس،^۵ و

1. structure

2. validity and reliability

۳. ورستیگ تاکنون آثار خود را با دو نام متفاوت کُرنلیوس ورستیگ (C.H.M. Versteegh) و کیس ورستیگ (Kees Versteegh) منتشر کرده است و گاه در یک اثر، خود این هر دو نام را به کار می‌برد (کریمی‌نیا،

(۳۳: ۱۳۸)

4. Jonathan Owens

5. Georges Bohas

سلیمان سارا آغاز شده و پیوسته ادامه داشته است. نتایج پژوهش‌هایی که در این زمینه توسط محققین غربی انجام شده است در قالب کتاب‌ها و مقالات متعدد، درس‌نامه‌ها، فرهنگ اصطلاحات تخصصی، و انواع فهرست‌های بسامدی منتشر شده است. مهم‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده در این گروه به این موضوعات اختصاص داشته است: ارائه معرفی جدید از سیبویه و تطبیق *الکتاب* با نظریات نوین زبان‌شناسی (کارتر، ۱۹۶۸؛ ۱۹۷۳؛ ۲۰۰۴؛ ۲۰۰۹؛ اُونز، ۱۹۸۸؛ ۱۹۹۰)، بررسی تطبیقی نحو عربی و نحو یونانی (ورستیگ، ۱۹۷۷)، بررسی تطبیقی نحو عربی و تفاسیر قرآن (ورستیگ، ۱۹۹۳)، ترجمه انگلیسی *الکتاب* و بررسی تطبیقی آن با نظریات معاصر (سارا، ۲۰۰۳؛ ۲۰۰۸)، معرفی اندیشمندان مسلمان در تاریخ زبان‌شناسی (ورستیگ، ۲۰۰۵؛ الف؛ بوهاس و همکاران، ۲۰۰۶)، گردآوری مجموعه مقالات همایش‌ها و تدوین دانشنامه‌ها و درس‌نامه‌های مربوط به تاریخ مطالعه نحو زبان عربی (ورستیگ، ۲۰۰۵؛ ب؛ ۲۰۰۹؛ اُونز، ۲۰۱۳).

در ایران، پژوهش‌های مشابه حدوداً با تأخیر چند دهه نسبت به پژوهش‌های غرب آغاز شده و نتایج آن بیشتر شامل تألیف و ترجمه کتاب و مجموعه مقالات بوده است. از جمله مهم‌ترین پژوهش‌های داخلی که در این زمینه انجام شده است می‌توان به این موارد اشاره نمود: مجموعه مقالات مربوط به کنگره جهانی بزرگداشت دوازدهمین قرن درگذشت سیبویه (اسکندری، ۱۳۵۴)؛ بررسی تطبیقی میان نحو هندی و نحو عربی (مجتبایی، ۱۳۸۳)؛ شرح رابطه میان فلسفه و زبان از منظر اندیشمندان ادوار مختلف تاریخ علمی ایرانی و بررسی تطبیقی رویکردهای دو مدرسه نحوی بصره و کوفه (ابراهیمی‌دینانی، ۱۳۸۹)؛ توضیح، تجزیه و تحلیل و بررسی تطبیقی پژوهش‌های شرق‌شناسان و اسلام‌شناسان غربی در معرفی سیبویه و دیگر اندیشمندان ایرانی (دبیرمقدم، ۱۳۸۹؛ ۱۳۹۰)؛ و مطالعه بخش‌هایی از تاریخ زبان‌شناسی ایران (باهر، ۱۳۹۱؛ حق‌بین، ۱۳۹۲). در یکی دو دهه اخیر، توجه همگانی به موضوع شناخت اندیشمندان تاریخ علمی ایران افزایش یافته و در پی آن مقالات متعددی در زمینه سیبویه پژوهی منتشر شده است (مواردی مانند: فرخنده، ۱۳۷۹؛ پیام، ۱۳۸۶؛ شفیع‌پورمقدم، ۱۳۸۷؛ خانجانی، ۱۳۸۹). در دو دهه اخیر همچنین، برخی از آثاری که در این حوزه پدید آمده است از زبان‌های عربی و انگلیسی به زبان فارسی ترجمه شده (مانند: فاضلی، ۱۳۵۹؛ میرعمادی، ۱۳۷۶؛ ابوالحسنی، ۱۳۹۱) و نیز برخی از رساله‌های دانشگاهی به پژوهش در این مورد اختصاص یافته است (مواردی مانند: دبستانی، ۱۳۷۶؛

پیام، ۱۳۷۶؛ شفیع‌پور مقدم، ۱۳۸۵).

در پژوهش‌هایی که تاکنون در معرفی *الکتاب* انجام شده است، همواره امکان بررسی تطبیقی سنت نظری سیبویه با نظریات نقش‌گرایی و صورت‌گرایی در زبان‌شناسی معاصر گزارش شده است. در پژوهش حاضر نیز مؤلفه‌هایی از این سنت نظری با موارد مشابه در دستور نقش‌گرای نظام‌مند (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴) و دستور زایشی (چامسکی، ۱۹۵۷؛ ۱۹۶۵) مقایسه شده است. علاوه بر آن، مؤلفه‌هایی از سنت مذکور، با موارد مشابه در رویکردهای نظری اندیشمندان ایرانی پس از سیبویه، به ویژه فارابی (۱۳۸۹) در *احصاء العلوم* و ابن‌سینا (۱۳۸۳) در *منطق دانشنامه* علایی مقایسه شده است. مقایسه اخیر بدان منظور بوده است که بخش‌هایی از رویکرد سیبویه نسبت به توصیف زبان که نشان از یک الگوی نظری تأثیرگذار داشته است مورد تأکید قرار گیرد. امید است که این مطالعه تطبیقی توانسته باشد نمایی از یک سنت فکری را، که سیبویه از چهره‌های شاخص آن است، ترسیم نموده و یا مؤلفه‌های تازه‌ای از آن سنت را به درستی شرح داده باشد، سنتی که مسیر اصلی آن، بدون گسستگی، در طول تاریخ جریان داشته و نگارنده معتقد است که تاکنون نیز این سنت به صورت قراردادهایی نانوشته به حیات خود ادامه داده و در پژوهش‌های معاصر زبان‌شناسی ایران بازتاب یافته است.